مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۵، بهار تابستان ۱٤۰۰، شمارهٔ پیاپی ٢٤

DOI: 10.22067/jlkd.2021.71145.1041

تأثیر واژگانی زبان فارسی بر کُردی کُرمانجی خراسان

طواق گلدی گلشاهی (استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران)

صص: ١٦٥-١٤١

چکیده

زبان فارسی در سرزمین وسیع ایران از دیرباز مورد استفاده بوده و به علّت رسایی، شیوایی و سادگی از نظر دستوری و آوایی، مورد توجّه پادشاهان و درباریان بوده و همواره زبان‌های ایرانی دیگر را تحت تأثیر قرار داده است. زبان کُردی که یکی از زبان‌های مهم ایرانی است به سبب نزدیکی به زبان فارسی و همسایگی با آن زبان و رسمی بودن زبان فارسی در بسیاری از مناطق کُردنشین، مانند دیگر زبان‌های ایرانی، تأثیرات فراوانی را از زبان فارسی پذیرفته است. یکی از گویش‌های زبان کُردی که در محیطی فارسی‌زبان، قرار گرفته و احتمال تأثیرپذیری آن گویش از گویش‌های دیگر کُردی بیشتر است، گویش کُرمانجی خراسان است که شاخه‌ای از کُرمانجی شمالی است. مسألهٔ اصلی در این پژوهش، تأثیر واژگانی زبان فارسی بر گویش کُرمانجی خراسان بوده است **و** هدف، شناسایی کیفیّت و میزانِ تأثیر زبان فاسی از نظر واژگانی بر کُردی کُرمانجی خراسانی است و در این راستا از روش تحقیق میدانی- کتابخانه‌ای و ابزار پرسشنامه و مصاحبه بهره گرفته شده است. از بررسی واژه‌های پربسامد و پرکاربرد کُرمانجی خراسان، این نتیجه، حاصل شده که زبان فارسی بر این گویش، اثرگذاربوده امّا این تأثیرات، اندک بوده است. از مجموع ٣٤٢ واژهٔ بررسی شده که در گویش کُرمانجی خراسانی رایج است، تعداد ٢٣ واژهٔ آن از زبان فارسی وام گرفته شده است. بر این اساس، نسبت واژه‌های فارسی در حوزه‌های بررسی شده در کرمانجی خراسان (٦.٧٢٪) است.

کلیدواژه‌ها: تأثیر واژگانی، زبان فارسی، زبان کُردی، کُرمانجی شمالی، کُرمانجی خراسان.

تاریخ دریافت :۱۴۰۰/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش : ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

پست الکترونیکی: 1. tavagh.golshahi@gmail.com

۱.مقدمه

زبان فارسی در تاریخ خود در سرزمین ایران و گاه، بیرون از مرزهای ایران رواج داشته و بر زبان‌های ایرانی و غیر ایرانی، اثرگذار بوده است. تأثیر زبان فارسی بر زبان‌های ایرانی به این دلیل که از یک ریشه برخوردارند بیشتر بوده است. یکی از زبان‌های مهم ایرانی که تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته، زبان کُردی است که به شاخه‌های گوناگونی تقسیم می‌شود از جمله کُرمانجی شمالی، کُرمانجی میانه، اردلانی، کلهری و گورانی. یکی از گویش‌های شاخهٔ کُرمانجی شمالی،کُرمانجی خراسانی است که گویندگانِ آن، بیشتر از کُردهای دیگر با فارسی-زبانان در ارتباط بوده و در محیطی فارس‌زبان بوده‌اند. قرارگرفتنِ کُردهای خراسان در میان فارسی‌زبانان و قطع ارتباط با هم‌زبانانِ خود در مدّت چند قرن، احتمال تأثیر زبان فارسی را بر آن گویش بیش از گویش‌های دیگر افزایش داده است. پژوهش حاضر، در صدد است تأثیر واژگانی زبان فارسی را بر کُردی کُرمانجی خراسانی بررسی نماید. تحقیق در این زمینه می‌تواند در پژوهش‌های زبانشناسی مفید واقع شود و در راستای کشف رازهای نهفتهٔ تغییرات گونه‌های معنایی در آن دو زبان، گامی به جلو بردارد. پژوهش‌هایی از این نوع در همهٔ زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی داخل و خارج ایران، امری بسیار ضروری است زیرا هنوز در زمینه‌های دستور تاریخی و نحوهٔ تغییرات تاریخی واژگان و دستور زبان‌های ایرانی، پژوهش‌های زیادی باقی مانده تا انجام شود و علل آن تغییرات بررسی گردد. تحقیقاتی جامع برای ضبط و شناسایی تمام زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در این زمان از مهمترین واجبات زبانشناسان و فرزانگانی است که در زمینهٔ زبان‌های ایرانی فعالیّت می‌کنند به ویژه که در دوران مدرن، سیستم آموزش و پرورشِ جدید به گونه‌ای است که زبان‌ها و گویش‌های زیادی را با خطر ازبین رفتن، مواجه ساخته است. ازبین رفتنِ زبان‌ها و گویش‌های ایرانی – که به سبب سیستم آموزشی مُدرن، امری شبه حتمی است– ضرری جبران‌ناپذیر به پژوهش‌های زبانشناسی خواهد رساند؛ همان طور که ازبین رفتنِ زبان‌های قدیمی و تدوین نشدهٔ ایرانی مانند «ایرانی باستان» محقّقین را واداشته است تا از روی اجتهاد به کمک شواهد و قرائن از زبان‌های هم‌خانواده به بازسازی آن پرداخته، سپس آن را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهند(ابوالقاسمی،۱۳۷۷: ۱).بسیار واضح است که چنین اجتهاداتی خالی از مشکل نخواهد بود و نتایج دقیق و اطمینان‌بخشی را نخواهد داشت امّا با ضبط و نگهداری زبان‌ها و گویش‌های ایرانی موجود، گنجینهٔ عظیمی از اطّلاعات زبانشناسی ایرانی در اختیار محقّقین قرار خواهد گرفت که در حلّ بسیاری از معضلات، راهگشا خواهد بود.

این پژوهش، گام کوچکی در زمینهٔ مقایسهٔ گویش کُرمانجی خراسانی با زبان فارسی است و به علّت کمبود منابع با دشواری‌های زیادی، همراه بوده است. متأسفانه تعداد چشم‌گیری از کُرمانج‌های خراسان، تسلّط چندانی بر زبان مادری ندارند و این امر، بررسی دقیق زبانشناختی این گویش را دشوار کرده است. با این وجود، بیشتر تلاش بر آن بوده است که زبان روزمرّهٔ مردم کُرمانج خراسان مورد بررسی قرار گیرد؛ زبانی که به طور عمومی در میان آن‌ها کاربرد دارد نه زبان ادبی و تخصّصی. البتّه در مواردی پرداختن به متون ادبی نیز ضرورت داشته است.از میان مصاحبه‌شدگان، افراد مسلّط بر زبان مادری و متخصّص در زبان کُردی وجود دارد؛ امّا بیشتر، کسانی مورد توجّه بوده‌اند که فقط بر زبان محاوره‌ای گویش کُرمانجی خراسانی تسلّط دارند، به دلیل آن که احتمال تأثیرپذیری از گویش‌های دیگر کُردی مانند کُرمانجی شمالی در آن دسته از مصاحبه‌شدگان که بر آن گویش‌ها تسلّط دارند بیشتر بود و در آن صورت، نتیجهٔ به دست آمده با واقعیّت مطابقت نمی‌کرد. بدین جهت بیشتر در تصحیح خطاها و موارد مشکوک از آن دسته از مصاحبه‌شدگان استفاده شده است و بخش اصلی اطّلاعات از کُرمانج‌های ناآگاه به گویش‌های دیگر کُردی جمع‌آوری شده است. البته نباید فراموش کرد که تحقیقات میدانی بر اساس استقرای ناقص انجام می‌گیرد که به نتیجهٔ کاملاً دقیق و بدون اشکال نمی‌انجامد، امّا در این گونه موارد، استقرای ناقص، قابل اطمینان است زیرا بهترین منبع برای بررسی هر زبانی، سخنان و جملات اهل آن زبان است.

نهایت تلاش در این پژوهش، بر آن بوده است که مواردی برای بررسی انتخاب گردد که در بین دو زبان کُردی و فارسی مشترک نباشد، زیرا مشترکاتی را که هردو زبان هم‌خانواده از زبان‌های باستانی به ارث برده‌اند نمی‌توان جزو تأثیرات یکی از زبان‌ها بر دیگری قلمداد کرد. همچنین به دلیل آن که کُرمانجی خراسانی، شاخه‌ای از کُرمانجی شمالی است، موارد مشترک به ویژه میان فارسی و گویش کُرمانجی شمالی حذف گردیده است. ملاک مشترک بودنِ کلمات فارسی و کُردی نیز وجودِ آن واژگان در زبان روزمرّه، متون ادبی و فرهنگ‌های زبان بوده است؛ در صورتی که واژه‌ای فارسی در متون ادبی کُردی،موجود بوده باشد، امّا در زبان گفتاری مردم کُرد و فرهنگ‌های واژگان کُردی وجود نداشته باشد، آن واژه، جزو مشترکات به حساب نیامده و به عنوان واژه‌ای فارسی معرفی گردیده است.

موقعیّت جغرافیاییِ مناطق کُرمانج‌نشینِ خراسان، طوری است که از شمال و غرب با روس‌ها و ترکمن‌های ترکمنستان و ایران و در جنوب و شرق نیز با فارس‌ها و تاجیک‌های ایران و افغانستان در ارتباط بوده‌اند. در ابتدا نیز با اُزبک‌ها از مناطق شمالی و شمال شرقی، روابط پرفراز و نشیبی داشته‌اند. این امر باعث شده است که واژگانی از ترکی، روسی و فارسی وارد زبانِ کُرمانج‌های خراسان شود. برای شناخت زبان اصلی واژگان، تمام زبان‌های مذکور بررسی شده است، مانند فارسی، روسی، ترکی استانبولی، ترکمنی، ترکی آذربایجانی حتی بلاروسی، قزاقی و مغولی و در صورتی که واژه‌ای در هیچ‌یک از زبان‌های مذکور و زبان عربی و فارسی نیز موجود نبوده باشد، آن واژه، کُردی محسوب شده است اگرچه در گویش‌های دیگر کُردی نیز موجود نبوده باشد. در میان واژگان، چندین مورد وجود دارد که فقط در کُرمانجی خراسانی موجود است و در گویش‌های دیگر کُردی و زبان‌های مذکور، اثری از آن‌ها نیست. این گروه واژگان، جزو کلمات ویژۀ کُردی خراسانی شمرده شده‌اند.

۲.پیشینۀ پژوهش

در زمینۀ معرفی گویش کُرمانجی خراسانی و ارتباط و تأثیرپذیری آن از زبان فارسی، پژوهش‌های بسیار اندکی انجام گرفته‌است. پژوهش‌هایی به زبان‌های روسی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی در خصوص کُرمانجی خراسانی نوشته‌شده‌است که بیشتر جنبۀ توصیفی دارند و در حدّ یک معرفی اجمالی کُرمانجی خراسانی هستند و خالی از لغزش نیز نیستند.

هوتوم شیندلر[1](١٨٨٤)در مقاله‌ای به زبان آلمانی تحت عنوان "Beitroge zum kurdischenwortschatz"(مشارکت در واژگان کردی) واژه‌هایی از کُرمانجی خراسان رایج در عمارلو آورده‌است. ایوانف[2](۱۹۲۷) در مقاله‌ای با عنوان Notes on khorasani Kurdish(یادداشت‌هایی درباره کُردی خراسانی) دربارۀ آواشناسی و ساخت واژۀ این گویش، توضیحاتی آورده است.

در ایران نیز تحقیقاتی صورت گرفته که بیشتر در حیطۀ آوایی بوده است:

اسدی مصطفالو(۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان « بررسی مقابله‌ای سطوح زبانی بین گویش کُرمانجی و فارسی معیار» گویش کُرمانجی و سطوح زبانی آن را از نظر زبان‌شناسی با

1- Hutum-schindler
2- W.ivanov

فارسی معیار به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده است.آژند(۱۳۸۱)در پژوهشی با عنوان «بررسی و توصیف ساخت آوایی گویش قوچان» به نحوهٔ ساخت آوایی در گویش کُرمانجی خراسانی، به ویژه قوچان پرداخته است. تقوی(۱۳۹۱) در تحقیق خود تحت عنوان «مقایسهٔ نظام‌های حالت‌دهی گویش کُرمانجی با فارسی معاصر» به مشخصّهٔ صرفی و نحوی مسمی به نظام حالت‌دهی ارگتیو در گویش کُرمانجی پرداخته است. چوپانی عسگرآباد(۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان « بررسی ساخت دستوری گویش کُردی کُرمانجی قوچان از دیدگاه رده-شناسی زبان» رده‌شناسی ساختمان جمله، گروه‌های نحوی، ساخت‌واژهٔ تصریفی و ساخت‌واژهٔ اشتقاقی کُرمانجی خراسانی به ویژه گویش قوچانی را مورد بررسی قرار داده است. حسن پور امیری گلیان(۱۳۷٤) در پایان‌نامهٔ خود تحت عنوان «واژه‌نامهٔ ریشه‌شناسانهٔ گویش کُردی کُرمانجی شیروان خراسان همراه با توصیف صوتی آن» واژه‌نامهٔ کوچکی از واژگانِ پرکاربرد کُرمانجی خراسانی به ویژه شیروان، گردآوری نموده است. این تحقیق، باوجود این که اطّلاعات مفیدی در خصوص واژگان گویش کُرمانجی خراسانی به دست می‌دهد، به جنبهٔ ریشه‌شناسی نپرداخته و در موارد اندکی معادل پهلوی واژگان را ذکر نموده است. رضایی(۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقابله‌ای نظام آوایی زبان فارسی و کُرمانجی خراسان و کاربردهای آموزشی آن» به جنبه‌های آوایی گویش کُرمانجی خراسانی پرداخته است. مصطفوی گرو(۱۳۸٦) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی تاریخی نظام آوایی گویش کُرمانجی خراسان» جنبهٔ آوایی گویش کُرمانجی خراسانی را مورد بررسی قرار داده است. قنبری بگلر و دیگران(۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تفاوت‌های گویش کُرمانجی بیگلر با گویش‌های کُرمانجی مجاور» به تغییرات آوایی، صرفی و نحوی گویش کُرمانجی بیگلر در مقایسه با گویش کُرمانجی مناطق هم‌جوار پرداخته‌اند. از جمله عوامل تفاوت این گویش با گویش‌های دیگر کُرمانجی آن منطقه، تأثیر زبان فارسی بر آن است، امّا این بررسی در مورد تمام گویشوران کُرمانجی خراسانی صدق نمی‌کند؛ بنابراین تحقیقی شامل و جامع‌تر باید صورت گیرد. امامی و سبزه (۱۳۹۲) در مقالهٔ خود تحت عنوان «مقایسهٔ نظام آوایی گویش کُرمانجی خراسانی و کُردی ایلام» به تغییرات آوایی دو گویش زبان کُردی و تفاوت هرکدام از آن‌ها با یکدیگر پرداخته‌اند.

با توجّه به اهمّیّت شناخت زبان‌های ایرانی و ضرورت کشف ریشهٔ هر یک از آنها و میـزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر یکدیگر، تحقیق و بررسی مقابله‌ای زبان‌های ایرانی بسیار ضروری است و به دلیل اینکه در زمینه تأثیر زبان فارسی بر کُرمانجی خراسانی تا کنون پژوهشـی انجـام نگرفته‌است پژوهش حاضر ضروری بوده و مـی‌توانـد در راسـتای مقایسـهٔ زبـان‌هـای ایرانـی سودمند و راهگشا باشد.

۳.روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و بر پایه داده های میدانی- کتابخانه‌ای بوده و بیشتر مطالب مربوط به واژه‌های کُرمانجی خراسانـی به طور میدانـی و از طریـق پرسشـنامه‌ای جامع، از گویندگان آن گویش پرسیده شده است. در موارد زیادی نیز اطّلاعات مـورد نیـاز بـه صورت مصاحبهٔ حضوری از کُرمانج‌های خراسان دریافت گردیده اسـت. پـژوهش حاضـر بـه بررسی واژه-های این گویش پرداخته و از یک سو با کُرمـانجی شـمالی و گـویش‌هـای دیگـر کُردی و از سوی دیگر با زبان فارسـی، مقایسـه‌هـا و تطبیقـات لازم صـورت گرفتـه اسـت. بنابراین پژوهش حاضر را می‌توان تحقیقی مقایسه‌ای - تطبیقی برشمرد.

زبان کُردی و شاخه‌های آن

زبان کُردی، شاخه‌ای از مجموعه زبان‌های هند و ایرانی اسـت کـه آن هـم زیـر مجموعـهٔ زبان‌های هند و اروپایی است. مجموعه زبان‌های ایرانی به سه بخش شمالی، جنـوبی و شـرقی تقسیم می‌شود که زبـان کُـردی، زیـر مجموعـهٔ بخـش اول اسـت(حه‌مـه خورشـید، ۱۹۸۵: لا ۲۲).بنابه گفتهٔ مرحوم ***ملک الشّعرای بهار*** نظر برخـی از زبانشناسـان بـر آن اسـت کـه زبـان کُردی شاخه‌ای از زبان اوسـتایی- مادی است. وی می‌گوید:

> «بعضی از دانشمندان را عقیده چنانست که گاثهٔ زردشت بزبان مادی است و نیـز برخی بر آنند که زبان کُردی یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است از باقیمانده‌های زبان ماد است». (بهار، ۱۳۸۹ ج ۱ :۵)

چنانچه این نظر، پذیرفته شود، زبان کُردی را نمی‌توان شاخه‌ای از زبان فارسی برشمرد زیرا زبان فارسیِ نو، ادامهٔ فارسی میانـه و فارسـی باسـتان اسـت کـه هرکـدام از آن‌هـا ماننـد زبـان اوستایی، شاخه‌ای از زبـان‌هـای ایرانـی هسـتند. برخـی از زبانشناسـان و شـرق‌شناسـان ماننـد

سدنیسمیث[۱]، ***ساسین***[۲] و ***جستی***[۳] بر این باورند که زبان کُردی، شاخه‌ای از زبان فارسی نیست و نظام آوایی و صرفیِ کُردی از فارسی، متمایز است. ***ساسین*** بر این عقیده است که زبان کُردی نه تنها شاخه‌ای از زبان فارسی و پهلوی نیست، بلکه آن دو زبان از یک شاخه هم نیستند و رابطهٔ میان آن‌ها به روزگاران بسیار دور برمی‌گردد(حه‌مه خورشید، ۱۹۸۵: لا ١٤).

بهار نیز در اظهارنظر خویش در مورد زبان کُردی، به نوعی، این نظر را تأیید می‌کند و زبان کُردی را از جملهٔ دیرینه‌ترین زبان‌های ایرانی برمی‌شمرد و می‌گوید:

«زبان و آداب آن مردم از دیرینه‌ترین زبان و آداب ایرانی است، و شعرِکُردی یکی از اقسام پنج هجائی قدیم است، و لغات آن قوم نیز یکی از شاخهای زبان ایرانی است...»(بهار، ۱۳۸۹ ج ۱ :۵)

زبانشناس کُرد، *حه‌مه خورشید* زبان کُردی را یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی شمالی می‌داند و زبان فارسی را جزو زبان‌های جنوبی ایرانی(حه‌مه خورشید، ۱۹۸۵: لا ۲۲). آساتوریان، ایران‌شناس و کردشناس ارمنی نیز زبان کردی را زیرشاخهٔ زبان‌های شمال غربی ایرانی می‌داند(Asatrian, 2009:5).

در هر صورت، زبان کُردی یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی است و در آن شک و تردیدی نیست. زبان کُردی به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که زبان‌شناسان، اتّفاق نظری در مورد آن ندارند و با روش‌های گوناگونی آن را تقسیم کرده‌اند. به عقیدهٔ حمه‌خورشید گویش‌های کُردی عبارتند از:۱.کُرمانجی شمالی ۲.کُرمانجی میانه ۳. کُرمانجی جنوبی ٤. گورانی.(حه‌مه خورشید، ۱۹۸۵: لا ۳۸). ژان ژاک دو مورگان، زبانشناس و مستشرق فرانسوی، گویش‌های کُردی را چنین دسته‌بندی می‌کند: ۱. مُکری ۲. گروسی ۳. ایزدی بایزید ٤. صحنه‌ای ۵. کرمانشاهی ٦. هورامی ۷. جافی ۸. رِژابی ۹. سلیمانیه‌ای ۱۰. لکی ۱۱. خوژاوندی (دو مورگان، ١٣٩٦: ۲۸-۲۵). مکنزی گویش هورامی (گورانی) را مستقل از کُردی می‌داند. او در کتاب دو جلدی خویش با عنوان« مطالعات گویش کردی[٤]» بدان نپرداخته است، بلکه کتاب مستقلّی تحت عنوان «گویش هورامی[٥]» دربارهٔ آن نوشته و در آن کتاب، گویش

1- Sedney Smith
2- Socin
3- Justi
4- Kurdish dialect studies
5- The dialect of Awroman

مذکور را غیرکُردی می‌داند (مکنزی، ١٩٩٦: ٥-٤) اُرانسکی نیز گـویش‌هـای گـورانی و زازا را غیرکُردی می‌داند (اُرانسکی، ۱۳۵۸: ۳۱۱۱).

با وجود اختلافاتی که ذکر شد، گویش کرمانجی بنـا بـر نظـر تمـام زبـان‌شناسـان یکـی از گویش‌های مهم زبان کُردی است و در این مورد اتّفـاق نظـر میـان زبـان‌شناسـان وجـود دارد. گویش کُرمانجی خراسانی یکی از زیرمجموعه‌های گویش کرمانجی شمالی است.

کُرمانجی خراسانی

کُرمانج‌های خراسان، مجموعه‌ای از ایلاتِ کُرد هستند که در زمان شاه عباس صـفوی و بـه دستور وی از مناطق مختلف کردسـتان بـه شـمال خراسـان منتقـل شـدند کـه عمـدهٔ آن‌هـا از کُرمانج‌های کردستان ترکیه هستند. واژهٔ *کُرمانج*، بیشتر بر کُردهایی اطلاق می‌شود که به شـاخهٔ کُرمانجی شمالی تکلّم می‌کنند و هرگاه واژهٔ *کُرمانجی* به صورت مطلق و بدون قید به‌کار بـرود بر شاخهٔ کُرمانجی شمالی دلالت می‌کند. چون اکثـر ایلاتـی کـه بـه خراسـان منتقـل شـدند از کُردهای کُرمانج بوده‌اند.کلمهٔ کُرمانج بر همهٔ آن‌ها و کُرمانجی بر گویش آن‌ها اطلاق مـی‌شـود؛ در حالی که در میان آنان، ایلات و خانوارهایی از کُردهای غیر کُرمانج وجود دارد.

قراینی از کتاب حرکت *تاریخی کُرد به خراسان* اثر *توحّـدی*، مـورّخ و پژوهشـگر تـاریخ و فرهنگ کُرمانج‌های خراسان، نشان می‌دهد که برخـی از ایـل‌هـایی کـه بـه خراسـان مهـاجرت نموده‌اند غیرکُرمانج و از کُردهای زنگنه، اردلان، بابان و ... بوده‌اند. وجود تعداد چشـمگیری از کُردهای مکری در میان کوچندگانِ کُرد به خراسان نیز دلیلـی دیگـر بـر وجـود کُردهـای غیـر کُرمانج به معنای خاص است.

توحّدی در کتاب خود از ایلی در میان کُرمانج‌های خراسان نام می‌برد به نام *کـانی مشـکان*، سپس اسم ایل مذکور را برگرفته از اسم *کانی مشکان* سنندج معرفی می‌نماید و اظهار مـی‌کنـد که آن ایل به وسیلهٔ نادرشاه از سنندج به خراسان منتقل شـده‌اند.(توحّـدی، ۱۳۵۹ ج۱: ۵۰۰)در همان صفحه از وجود ایلی به نام *بوانلو* نام می‌برد که خودِ نویسـنده آن را تغییـر یافتـهٔ *بـوان* و *بابان* می‌داند. معلوم است که کُردهای سنندج و اطراف آن، کرمانج نیستند و فقـط گـویش‌هـای اردلانی، گورانی و کلهری در آن منطقه وجود دارد. بابان هم اسم سلسله‌ای از اُمرای کُرد اسـت که در مناطق *شهرزور* مدّت زیادی حکومت کردند و شهر *سلیمانیّهٔ کردستان عراق* توسّط آنـان بنا شد. آشکار است که *بابان‌ها*، کُرمانج به معنای خاص نبوده‌اند.

نویسندهٔ کتاب حرکت *تاریخی کُرد به خراسان*، نمودار درختی کُردهای خراسان را در کتاب خویش آورده‌اند که به روشنی وجود ایلاتِ غیر کُرمانج را در میان کُردهای خراسان نشان می‌دهد. در کتاب مذکور از ایلی به نام گورانلو(همان: ۸)نام برده شده است که از نامش چنین برمی‌آید که برگرفته از کلمهٔ گوران باشد که اسم یکی از شاخه‌های زبان کُردی است و بیشتر گوران‌ها در مناطق جنوبی و شرقی مناطق کُردنشین زندگی می‌کنند. وجود طایفه‌ای به نام گورانلو این امر را محتمل می‌کند که برخی از کُردهای گوران نیز در آن حرکتِ تاریخی به خراسان کوچ کرده باشند و به نظر می‌رسد ایل گورانلو از کُردهای گوران باشند.

بنا به گزارش *توحّدی* بخشی از کُردهای خراسان از کُردان مکری هستند که در مهاباد و اطراف آن به خراسان مهاجرت نموده‌اند. قابل ذکر است که کُردهای مکری کُرمانج به معنای خاص نیستند. مؤلّفِ کتاب مذکور می‌گوید:

> «کُرمانج خراسان که قسمت مهمّی از تیرهٔ کُرمانج خلق کُرد می‌باشد دیگر شاخه‌های کُرد از قبیل شکاک و مکری را نیز دربر می‌گیرد که این شاخه‌ها اکثراً در غرب کشور و حدود ترکیه مانده‌اند.» (همان: ۱۲)

در نمودار ایلات کُرد از کتاب مذکور، اسم‌هایی به چشم می‌خورد از قبیل *جافکانلو* و *خلکانلو* که احتمال دارد اسم ایل اوّلی از کلمهٔ جافکان (جافه‌کان) گرفته شده باشد؛ این کلمه به معنی جاف‌ها است که اسم ایلی بزرگ است و بیشتر در کردستان عراق ساکنند و بعضی از آن‌ها در کردستان ایران سکونت دارند. این طایفه به گویشی نزدیک به اردلانی سخن می‌گویند. اگر ثابت شود که این اسم برگرفته از کلمهٔ جافکان است، روشن می‌شود که خانوارهایی از ایل جاف در میان کُردهای خراسان وجود دارد. کلمهٔ خلکانلو را شاید بتوان برگرفته از شهرستان *خلکان* دانست که در چند کیلومتری شهرستان *دوکان* در غرب استان *سلیمانیّهٔ کردستان عراق* واقع شده است.

یکی از سرداران کُرد خراسانی در دوران شاه تهماسب صفوی شخصی به نام *کچل قباد کلهر* است که از نامش پیدا است از کُردهای کلهر است.*(همان: ۲۵)*

اگر تحقیقات تاریخی نیز کفایت نکند برای اثبات وجود کُردهای غیرکُرمانج، از بررسی گویش کُرمانجی خراسانی این امر کاملاً روشن می‌گردد.

در این پژوهش، در بسیاری از جاها واژه‌های گویش‌های میانی، جنوبی و شرقی کُردی به چشم می‌خورد.

٤.تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای بررسی واژه‌های کُرمانجی خراسانی، از واژه‌های پربسامد کُرمانجی که در زندگی روزمرّه، مورد استفاده قرار می‌گیرند نمونه‌گیری شده است تا میزان تأثیر زبان فارسی بر آن گویش، آشکار گردد و تا آن جا که ممکن بوده تلاش شده است نمونه‌گیری بر اساس یک فهرست‌بندی منطقی صورت گیرد که واژه‌های رایجِ کُرمانجی خراسانی را دربر گرفته، با واژه‌های فارسی مقایسه گردد. هرکدام از بخش‌هایی که برای تحقیق در خصوصِ تأثیر واژه‌های فارسی بر گویش کُرمانجی خراسانی در نظرگرفته شده بر اساس حروف الفبا ارائه شده است. در ادامه نیز تأثیرِ کنایات و ترکیبات عامیانهٔ فارسی بر گویش کُرمانجی خراسانی مورد بررسی قرار گرفته است.

-آجیل

واژگان زیر فهرستی از اسامی پرکاربرد آجیل در زبان فارسی و گویش کُرمانجی خراسانی است:

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
بادام زمینی	baʎam zamini, baʎam xɑki	مشترک میان کُردی و فارسی.
تخمه	dana, dnik, dandk	کُردی.
کشمش	1.turʃk, 2. ʔimiʃ, 3. Kişmîş	۱و۲. کُردی. ۳. مشترک میان کُردی و فارسی.
گردو	gɨwiz, giz	کُردی.
مویز	=[1]	فارسی.
نخود	noxod	پهلوی.[2]

از فهرست فوق پیدا است که از مجموع (۱۲) واژه، (۱) واژه فارسی، (۱) واژه پهلوی، (۳) واژه مشترک و (۷) واژه کُردی است. در مورد واژهٔ کشمش – که در مناطق مختلف کرمانج-نشین خراسان به سه صورت مختلف اسم‌گذاری می‌شود– فقط یک حالت لفظ مشترک

۱– این علامت، جلوی واژه‌هایی گذاشته شده است که در زبان فارسی، متداول هستند و عیناً در کرمانجی خراسانی کاربرد دارند.

۲– د. ن. مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ص ۳۱٤

(کشمش) کاربرد دارد و در دو مورد دیگر واژگان (ʔimiʃ/turʃk) به جای (کشمش) به‌کار می‌رود که این دو واژه، ویژهٔ گویش کُرمانجی خراسانی است و در گویش‌های دیگرِ کُردی کاربرد ندارد.

با در نظر گرفتن آمار فوق، نسبت واژه‌های فارسی در این مجموعه‌واژه، واژگان کُردی (٪۵۹)، واژه‌های فارسی (٪۸)، واژه‌های مشترک (٪۲۵) و واژه‌های دیگر نیز (٪۸) هستند.

– اعداد

فهرست زیر اعداد فارسی و کُرمانجی خراسانی را دربرمی‌گیرد. هرچند اختلاف چندانی میان اعداد فارسی و کُردی نیست، امّا برای بررسی تأثیر زبان فارسی بر گویش کُرمانجی خراسانی در نحوهٔ تلفظ اعداد، تهیهٔ این فهرست، ضروری بود.

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
یک	ʎak, ʎakkɪ	کُردی.
دو	dɨdu, du, dudu	کُردی.
سه	sɨsɪ	کُردی.
چهار	ʧɑr	مشترک میان کُردی و فارسی.
پنج	pɪndʒ	کُردی.
شش	ʃaʃ	مشترک میان کُردی و فارسی.
هفت	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
هشت	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
نُه	nah, noh	مشترک میان کُردی و فارسی.
دَه	da, dah	مشترک میان کُردی و فارسی.
یازده	ʎɑnzdah,ʎɑnza	کُردی.
دوازده	dɨʎɑnza	کُردی.
سیزده	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
چهارده	ʧɑrdah	مشترک میان کُردی و فارسی.
پانزده	pɑnza	کُردی.
شانزده	ʃɑnza	کُردی.
هفده	havda	کُردی.
هجده	haʒda	کُردی.

نوزده	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
بیست	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
سی	si, sɪ	کُردی.
چهل	t͡ʃal, ʧɪl	کُردی.
پنجاه	pɪnʤɑ, pɪnʤa	کُردی.
شصت	ʃist, ʃɪst	کُردی.
هفتاد	hafti	کُردی.
هشتاد	heʃti	کُردی.
نود	=	مشترک میان کُردی و فارسی.
صد	sad, saʎ	مشترک میان کُردی و فارسی.کُردی.
دویست	dossɪ, dusad	کُردی.
سیصد	sɪssɪ, sɪêsad	کُردی.
هزار	hazɑr	مشترک میان کُردی و فارسی.

چنان که اشاره شد فرق زیادی میان اعداد فارسی و کُردی وجود ندارد، بلکه اعداد را می‌توان بخشی از مشترکات دو زبان دانست. در فهرست فوق نیز معلوم شد که زبان فارسی هیچ تأثیری بر گویش کُرمانجی خراسانی نگذاشته است و تقریباً در کُرمانجی شمالی نیز اعداد به همان شکل تلفظ می‌شوند، با تفاوت‌هایی بسیار اندک و جزئی.

- اعضای بدن

در فهرست زیر تأثیر واژه‌های فارسی بر کُرمانجی خراسانی بررسی می‌شود که برای اسم-گذاری اعضای بدن به‌کار می‌رود.

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
آرنج	hani, haniʃk	کُردی.
آرواره	ʔangaz	ترکی.[۱]
ابرو	bɨri, bɪrɪ	کُردی.
استخوان	hasti	پهلوی.[۱]

۱- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی- ترکمنی)، ص ۵۲۳

انگشت	piʧɨk, piʧi, biʧɨk	کُردی.
بینی	1. bivɨl; 2. puz	۱. کُردی. ۲. پهلوی.[۲]
پاشنه	pɑni	کُردی.
پشت	piʃt	مشترک میان کُردی و فارسی.
پیشانی	hani	کُردی.
چانه	ʧan, ʧani	کُردی.
چشم	ʧɑv	کُردی.
خون	xwin, xin	کُردی.
دندان	dan, dɨdan	کُردی.
دنده	parsu, parsi	کُردی.
دهان	fak	عربی.
روده	rivi	کُردی.
زانو	ʒani, ʒuni, ʒunɪ	کُردی.
زبان	zɨmɑn	کُردی.
سبیل	s.mil, sɨnbil	کُردی.
شُش	fɑtɨk	کُردی.
شکم	zɨg	کُردی.
گردن	ʔuskur, ʔusti	کُردی.
گلو	gawri	کُردی.
گوش	1.qulax; 2. goʧɨk	۱. ترکی.[۳] ۲. کُردی.
گونه	1. gum; 2. lop	۱. کُردی. ۲. فارسی.
لب	lɪv	کُردی.
مُژه	b.ʒɑng, pɨʒɑng	کُردی.
مغز	1. maxz; 2. miʒa	۱. مشترک میان کُردی و فارسی. ۲. کُردی.
ناخن	ninɨk	کُردی.
ناف	1. nɑvɨk; 2.nɑf	۱. کُردی.۲. فارسی.

۱- د. ن. مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ص ۴۲

۲- همان، ص ۲۱۲

۳- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی- ترکمنی)، ص ۵۶۳

در فهرست فوق، تعداد (٤٨) واژه بررسی شده است که در گویش کُرمانجی خراسانی برای نامیدن اعضای بدن کاربرد دارد. از مجموع واژه‌های فوق (٣٩) واژهٔ آن کُردی، (٢) واژه مشترک، (٢) واژه فارسی است و (٥) واژهٔ زبان‌های دیگر نیز وجود دارد. بر اساس اعداد مذکور، نسبت درصد واژه‌های کُردی (٨١.٢٥٪)، واژه‌های فارسی (٤.١٦٪)، واژه‌های مشترک (٤.١٦٪)و واژه‌های زبان‌های دیگر (١٠.٤١٪) است.

-بیماری‌ها

فهرست زیر واژه‌های فارسی را دربرمی‌گیرد که برای نامیدن برخی از بیماری‌ها به‌کار می‌رود:

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
تب	qɨzɨrma	تُر.[1]
سَردرد	Sarɪʃ	کُردی.
شکم‌درد	dɨl ʔiʃ, zɨgʔiʃɑn	کُردی.
دندان‌درد	dɑnʔiʃ, dɨʎɑnʔiʃɑn	کُردی.
دل‌درد	dɨlʔiʃ, dɨl ʔiʃɑn	کُردی.
سُرفه	kixɨk, koxuk	کُردی.
تبخال	Tawxɑl	فارسی.
گلودرد	gar ʔiʃɑn	کُردی.
خون‌ریزی	1. xinrizi; 2. xwinvarʃin	١. فارسی. ٢. کُردی.

در فهرست فوق، تعداد (١٤) واژه در مقابل واژه‌های فارسی به‌کار رفته است که تعداد (١١) واژهٔ آن کُردی است، (٢) واژه فارسی و (١) واژه ترکی است. بر اساس این اعداد، نسبت واژه‌های کُردی (٧٩٪)، واژه‌های فارسی (١٤٪) و واژه‌های دیگر (٧٪) است.

-پوشاک و لوازم آرایشی

١- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی- ترکمنی)، ص ٢٠٧

کلمات زیر، شاملِ واژه‌های زبان فارسی است که برای نامیدن پوشاک و لوازم آرایشی به‌کار می‌رود. در مقابل واژه‌های فارسی معادلِ آن‌ها در گویش کُرمانجی خراسانی ذکر شده است:

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
روسری	kawn	کُردی.
شلوار	1. dɪxin; 2. ʃilwɑr	۱. کُردی. ۲. مشترک میان کُردی و فارسی.
پیراهن	kurɑs, kɨrɑs	کُردی.
آستین کوتاه	huʧɨk qul	کُردی.
آستین‌بلند	huʧɨk dɨrɪʒ	کُردی.
چادر	ʧɪwɨr, ʧɑwɨr	مشترک میان کُردی و فارسی.
دَمپایی	ʧaqʧaqi; sarpaʎi; sol	کُردی.
کفش	sol	کُردی.
کمربند	1. tɑsma; 2. ʃɑlama	۱. ترکی.[۱] ۲. کُردی.
زیرپیراهن	=	فارسی.
زیرپوش	=	فارسی.
کلاه	kum, kom	کُردی.
انگشتر	ʔangɨlusk, hangɨlusk	کُردی.
گوشواره	Guʃɑra	فارسی.
گردن‌بند	x.fti	کُردی.
دامن	Dɑman, dɑman	فارسی.

در فهرست فوق، مشخص شد که از مجموع (١٦) واژۀ بررسی شده که در مقابل (٢٥) واژۀ کُرمانجی خراسانی گرد آوری شده است، تعداد (١٦) مورد از واژه‌های مورد استفاده در گویش کُرمانجی خراسانی کُردی است، تعداد (٥) واژه فارسی، (٣) واژه مشترک و واژه‌های دیگر نیز (١) عدد است. بدین ترتیب، نسبت (٦٤٪) واژه‌های فوق کُردی است، (٢٠٪) فارسی، (١٢٪) مشترک و (٤٪) هم واژه‌های ترکی است.

۱– دکتر محمد کانار، فرهنگ جامع فارسی به ترکی استانبولی، ص۱۸۰

-جانوران

نام‌های زیر، واژه‌های زبان فارسی هستند که برای نامیدن برخی از جانوران به‌کار می‌روند:

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
آهو	1. kivi; 2. ʤaʎrɑn	کُردی.
اسب	1. hasp; 2. ʔɑlaʃa; 3. ʎɑwu	۱. مشترک میان کُردی و فارسی. ۲. روسی.[۱] ۳. کُردی.
برّه	barx	کُردی.
بُز	bɨzɨn	کُردی.
پرستو	1. duʧ qɑʧi; 2. qɨʃtɨk	کُردی.
پروانه	1. mɨnmɨnɨk; 2. pɨlpɨlɨk; 3. parparɨk	کُردی.
پشه	piʃa, paʃa	مشترک میان کُردی و فارسی.
خرچنگ	1. xarʧang; 2. kivƷɨng	۱. فارسی ۲.کُردی.
خرس	hɨrʧ	کُردی.
خرگوش	kargo, kargi	کُردی.
خروس	dik	عربی.
خوک	xɪnzir	عربی.
روباه	rovi, rivi	کُردی.
سوسک	1. ʃuʃɨk; 2. kurmaraʃ; 3. ʤiʤidisk	۱.فارسی ۲ و ۳.کُردی.
شتر	dava	ترکی.[۲]
شغال	ʃaqal	کُردی.
کبک	kaw	کُردی.
گنجشک	ʧuʧɨk, ʤɨwiʤɨk	کُردی.
کبوتر	kaftar	مشترک میان کُردی و فارسی.
کرکس	karxor	کُردی.
گاو	gɑh, mɑngɑ	کُردی.
گرگ	gur	کُردی.
گوساله	golɨk	کُردی.

۱- م. ی. رادویلسکی، فرهنگ فارسی به روسی، ص ٤٧. این واژه در زبان روسی بدین شکل است. │loshad'│лошадь

۲- دکتر محمد کانار، فرهنگ جامع فارسی به ترکی استانبولی، ص ۳۸۲

گوسفند	paz	کُردی.
ماهی	mɑsi	کُردی.
مرغ	mɨriʃɨk	کُردی.
مگس	mɪʃ	کُردی.
ملخ	mɨnɨk, kuli, kulɨk	کُردی.
مورچه	miri	کُردی.
موش	mɨʃɨk	کُردی.
لاک-پشت	kisi, kɨwisi	کُردی.
گربه	pɨʃɨk, pisɨk	کُردی.

در فهرست فوق، از مجموع (۵۰) واژه، تعداد (۳۹) مورد، کُردی است، (۲) واژه فارسی، (٤) واژه مشترک و (٤) واژه از زبان‌های دیگر است. بر این اساس، (۸۰٪) واژه‌ها کُردی است، (٤٪) واژه‌ها فارسی، (۸٪) آن مشترک و (۸٪) آن دخیل است.

-خویشاوندان

فهرست زیر، دربردارندهٔ واژه‌هایی است که در زبان فارسی و کرمانجی برای نامیدن خویشاوندان به‌کار می‌روند:

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
برادر	bɨrɑ, bɨrɪ	کُردی.
برادرزاده	bɨrɑzi	کُردی.
برادرزن	bɨrɑʒɨn, xazur	کُردی.
برادرشوهر	ti, bɨrɪ mɪr	کُردی.
برادرناتنی	bɨrɑʔandar	کُردی.
پدر	bɑv	کُردی.
پدربزرگ	bɑvkɑl, bapɪr, bɑvgɨr	کُردی.
پدرزن	xazur, xazu, xanzur	کُردی.
پدرشوهر	xazur, xanzur	کُردی.
پسر	lɑw, lawɨk	کُردی.
خواهر	xɑnɨg	کُردی.
خواهرزاده	xɑrzi	کُردی.

خواهرزن	bɑlduz	ترکی.[۱]
خواهرشوهر	xɑngi mɪr	کُردی.
داماد	zɑvɑ	کُردی.
دایی	xɑl, xolo	عربی.
دختر	1. katʃɨk; 2. qizɨk	۱. کُردی. ۲. ترکی.[۲]
مادر	dɪ, dɑʎɨk, nanɪ	کُردی.
مادربزرگ	nanɪ, nanɪ gɨr, dɑpir	کُردی.
مادرزن	xɑsi	کُردی.
مادرشوهر	xɑsi	کُردی.
ناپدری	bɑv ʔandar	کُردی.
نامادری	dɑmɑr, dɑmɑri; dɪ ʔandar	کُردی.
نوه	navi	مشترک میان کُردی و فارسی.

از مجموع (٤١) واژهٔ کُرمانجی به‌کار رفته در فهرست فوق، تعداد (٣٦) مورد از آن‌ها کُردی است، (١) مورد، مشترک و (٤) واژه دخیل است. بنابراین (٨٨٪) واژه‌ها،کُردی است، (٢٪) مشترک و (١٠٪) دخیل است.

-طبیعت و پدیده‌های طبیعی

واژه‌های زیر، مجموعه‌ای از کلمات فارسی هستند که برای نامیدن برخی از پدیده‌های طبیعت به‌کار می‌روند. در مقابل آن‌ها واژه‌های معادل آن‌ها که در کُرمانجی خراسانی کاربرد دارد، آورده شده است:

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
آب	ʔav	کُردی.
آبشار	1. ʔavʃɨruk; 2. ʔavʃar	۱. کُردی. ۲. مشترک میان کُردی و فارسی.
آتش	ʔɑr, ʔɪr	کُردی.
آفتاب	tɑv	کُردی.

۱- دکتر قدیر گلکاریان، فرهنگ لغات فارسی- انگلیسی- ترکی استانبولی، ص ٧١٤

۲- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی- ترکمنی)، ص ٣٤٠. این واژه در زبان ترکی به شکل «قیز» تلفظ می‌شود.

ابر	ʔawɨr	کُردی.
باد	1. ʃamɑl, 2. bɑ, 3. kuhɑt	۱. عربی. ۲و۳. کُردی.
برف	barf	مشترک میان کُردی و فارسی.
تپّه	tappah	مشترک میان کُردی و فارسی.
تگرگ	tiri, tuli	کُردی.
تندباد	1. bɑzu, 2. dulabɑ	کُردی.
جنگل	1. dɑrɨstɑn, 2. ʤangal	کُردی.
چشمه	kɑni	کُردی.
خورشید	ru	کُردی.
دریا	1. darʎɑ, 2. pɑnɑv	۱. مشترک میان کُردی و فارسی.۲. کُردی.
رنگین‌کمان	1. bɨnda kɨskı sɨwir, 2. rangin kamɑn	۱. کُردی. ۲. فارسی.
رودخانه	kɑl	کُردی.
روز	ru	کُردی.
سایه	sıʎ	کُردی.
ستاره	ʧīk, ʧīk	کُردی.
سنگ	kavɨr	کُردی.
شب	ʃav	کُردی.
شرجی	dumɑn	کُردی.
یخ	ʎax, ʎix	فارسی.
گرد و غبار	toz, tuz	ترکی.[1]
ماه	haʎv	کُردی.
ماهتاب	hivaruni, haʎvarwin	کُردی.
کوه	kamar, ʧīʎa	کُردی.

مجموع واژه‌های مورد استفاده در کُرمانجی خراسانی در مقابل واژه‌های پرسیده شـده (٤١) واژه است که تعداد (٣٠) مورد آن‌ها کُردی، (٣) مورد، فارسـی، (٤)مـورد، مشـترک و (٢) واژه

۱- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی- ترکمنی)، ص ۵۵۷

دخیل است. بر این اساس، نسبت (۷۷٪) واژه‌ها کُردی است، (۸٪) واژه‌ها فارسی است، (۱۰٪) مشترک و (۵٪) دخیل است.

-غلّات و حبوبات

کلمات زیر واژه‌های زبان فارسی است که برای نامیدن برخی از حبوبات و غلّات به‌کار می‌رود. در مقابل واژه‌های فارسی، معادل آن‌ها در کُرمانجی خراسانی آورده شده است:

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
ارزن	ʔarzan; gɑrɨs	مشترک میان کُردی و فارسی.
جو	ʤa	کُردی.
گندم	ganɨm	کُردی.
لپه	lappa	فارسی.
نخود	nɨxɨd;noxod	پهلوی.

مجموع واژه‌هایی که در کُرمانجیِ خراسانی برای نامیدن غلّاتِ پرسیده شده به‌کار می‌رود (٦) واژه است که (۲) مورد از آن‌ها کُردی است، (۱) مورد، فارسی، (۲) واژه مشترک و (۱) واژه، از زبان‌های دیگر است. بر این اساس، نسبت هرکدام از واژه‌های کُردی و واژه‌های مشترک، (٣٣.٤٪) است و نسبت واژه‌های فارسی، (١٦.٦٪) و واژه‌های دخیل (١٦.٦٪) است.

-میوه‌ها و سبزیجات

فهرست زیر، واژه‌هایی را دربر دارد که در گویش کُرمانجی خراسانی برای نامیدن میوه‌ها و سبزیجات به‌کار می‌رود.

فارسی	کُرمانجی خراسانی	زبان اصلی
انار	nɑr	کُردی.
انجیر	ʔanʤir	مشترک میان کُردی و فارسی.
انگور	tɨro, turɪ	کُردی.
بادمجان	bɑʎɨmʤɑn, bawɨncɑn	مشترک میان کُردی و فارسی.
باقلی	bɑqali	مشترک میان کُردی و فارسی.
چغندر	ʧaxandɨr	مشترک میان کُردی و فارسی.
خربزه	kel	کُردی.

زردآلو	zardɑlu, zarduli	مشترک میان کُردی و فارسی.
سیب	sıv	کُردی.
سیب‌زمینی	sıv zamini	فارسی.
شفتالو	ʃaftɑlu	فارسی.
شلغم	ʃalɣam	فارسی.
کاهو	=	فارسی.
کدو	kɨndar, kɨndɨl	کُردی.
گُل کلم	=	فارسی.
گلابی	1. hurmı, hɨrmi; 2. gulɑvi	۱. کُردی. ۲. فارسی.
گوجه	1., pamawɨr; 2. bawɨncanı sur	۱. روسی.[۱] ۲. کُردی.
نارنگی	=	فارسی.
هلو	hulu, ʃaft	مشترک میان کُردی و فارسی.
هندوانه	qarpuz	ترکی.[۲]
هویج	gızar	کُردی.

از مجموع (۳۰) واژهٔ فوق تعداد (۱۱) واژهٔ آن کُردی، (۷) واژه فارسی، (۹) واژه مشترک و (۳) واژه نیز از زبان‌های دیگر است. بر این اساس نسبت درصد واژه‌های کُردی (۳۶.۶٪)، واژه‌های فارسی (۲۳.۳٪)، واژه‌های مشترک (۳۰٪) و واژه‌های دیگر (۱۰٪) است.

۶.نتیجه‌گیری

از بررسی نمونهٔ آماری واژه‌های بررسی شدهٔ کُرمانجی خراسانی، این نتیجه حاصل شد که زبان فارسی در حیطهٔ واژگانی، بر این گویش، تأثیرات اندکی گذارده و این گویش، اصالت زبانی خود را در برابر زبان معیار، حفظ کرده است و البته این اصالت، در حیطهٔ آوایی و صرفی و نحوی بسیار بالا است. نتایج، نشان داد که تأثیر واژگانیِ زبان فارسی بر گویش کُرمانجی خراسانی در شاخص‌هایی نظیر «آجیل»، «اعضای بدن»، «جانوران» و «طبیعت و پدیده‌های

۱- ف.م. بوریسوف، قاموس عربی- روسی، ص ۹۷ . تلفظ این واژه در روسی بدین شکل است: | pomidory | помидоры
۲- حاج مراد دوردی قاضی، فرهنگ قاضی (فارسی- ترکمنی)، ص ۶۸۷

طبیعی» بسیار اندک بوده و زبان فارسی در خصوص «خویشاوندان» بی‌تأثیر بوده است. از مجموع ۳٤۲ واژهٔ بررسی شده که در گویش کُرمانجی خراسانی رایج است، تعداد ۲۳ واژهٔ آن از زبان فارسی وام گرفته شده و غیر از واژه‌های مشترک که ٤٥ واژه است،۲٤۸ واژهٔ آن،کُردی اصیل است و بقیهٔ واژه‌ها نیز برگرفته از زبان‌های دیگر است. براین اساس، نسبت واژه‌های فارسی در کُرمانجی خراسانی (٦.۷۲٪) است و واژه‌های کُردی (۷۲.٥۱٪)، واژه‌های مشترک (۱۳.۱٥٪) و واژه‌های زبان‌های دیگر (۷.٦۰٪) است.

ذکر این نکته نیز لازم است که نتیجهٔ این مقاله با توجه به جامعهٔ آماری و افراد مصاحبه شده به دست آمده است و چنانچه جامعهٔ آماری، گسترده‌تر بود، قطعاً تأثیر زبان فارسی بیشتر از آنچه در این مقاله آمده است می‌بود امّا حجم مقاله اجازهٔ آن را نمی‌داد که دامنهٔ پژوهش، گسترده‌تر شود. لازم به ذکر است همان طور که در مقدمه اشاره شده، زبان بررسی شده از گویش‌ورانی گرفته شده که کمتر تحت تأثیر زبان فارسی بوده‌اند و کُرمانج‌های خراسانی‌ای که تسلط بر زبان مادری خویش نداشتند مصاحبه نشده‌اند؛ این امر نیز باعث شده است تأثیر زبان فارسی بر گویش مذکور، کمرنگ‌تر جلوه کند.

نسبت تأثیر واژه‌های فارسی بر گویش کُرمانجی خراسانی را در قالب جدول ذیل، می‌توان مشاهده نمود:

شاخص‌ها	واژگان فارسی	واژگان کُردی	واژگان مشترک	واژگان دخیل
آجیل	۸٪	٥۹٪	۲٥٪	۸٪
اعضای بدن	٤.۱٦٪	۸۱.۲٥٪	٤.۱٦٪	۱۰.٤۱٪
بیماری‌ها	۱٤٪	۷۹٪	۰٪	۷٪
پوشاک و لوازم آرایشی	۲۰٪	٦٤٪	۱۲٪	٤٪
جانوران	٤٪	۸۰٪	۸٪	۸٪
خویشاوندان	۰٪	۸۸٪	۲٪	۱۰٪
طبیعت و پدیده‌های طبیعی	۸٪	۷۷٪	۱۰٪	٥٪
غلّات و حبوبات	۱٦.٦٪	۳۳.٤٪	۳۳.٤٪	۱٦.٦٪
میوه‌ها و سبزیجات	۲۳.۳٪	۳٦.٦٪	۳۰٪	۱۰٪

منابع

۱- آژند، مهدی.(۱۳۸۱). *بررسی و توصیف ساخت آوایی گویش قوچان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- ابوالقاسمی، محسن.(۱۳۷۷). *دستور تاریخی مختصر زبان فارسی*. چاپ اوّل. تهران: سمت.

۳- اُرانسکی، ای. م. (۱۳۵۸). *مقدمهٔ فقه اللغه ایرانی*. ترجمهٔ کریم کشاورز (۱۳۵۸)، چاپ اوّل. تهران: پیام.

٤- اسدی مصطفی‌لو، علی.(۱۳۸۵). *بررسی مقابله‌ای سطوح زبانی بین گویش کُرمانجی و فارسی معیار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه اصفهان.

۵- امامی، حسن و سبزه، مهدی.(۱۳۹۲). مقایسهٔ نظام آوایی گویش کُرمانجی خراسانی و کُردی ایلامی. *مجلّهٔ علمی پژوهشی فرهنگ ایلام*، *١٤* (٤٠)، ۸۰–٦٨

٦- بوریسوف، ف.م.(۱۹۸۱م). *قاموس روسی- عربی* (جلد ۱). الطبعهٔ الثّانیهٔ. بی‌جا: دار اللغهٔ الروسیهٔ للنّشر.

۷- بهار، محمّد تقی.(۱۳۸۹).*سبک‌شناسی (جلد۱)*. چاپ دهم. تهران: امیرکبیر.

۸- تقوی گلیان، محمّد.(۱۳۹۱). *مقایسه نظام‌های حالت‌دهی گویش کُرمانجی با فارسی معاصر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه بیرجند.

۹- توحّدی، کلیم‌الله.(۱۳۵۹). حرکت *تاریخی کُرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران (جلد۱)*. چاپ اوّل. تهران: بی‌نا.

۱۰-چوپانی عسگرآباد، علی اکبر.(۱۳۹۰).*بررسی ساخت دستوری گویش کُردی کُرمانجی قوچان از دیدگاه رده‌شناسی زبان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۱۱-حه‌مه خورشید، فؤاد.(۱۹۸۵م). *زمانی کوردی (دابه شبوونی جوگرافیایی دیالیکته کانی)*. *چاپ اوّل*. به‌غدا (بغداد):چاپخانهٔ آفاق عربیّه.

۱۲-دهخدا، علی اکبر.(۱۳٦۳). *امثال و حکم* (جلد ۱). چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.

۱۳–دو مورگان، ژاک. (۱۳۹٦). مطالعات زبان‌شناختی گویش‌ها در زبان کردی. ترجمهٔ بهزاد هاشمی و آکو عباسی (۱۳۹٦)، چاپ اوّل، سقز: بیریار.

۱٤–رادویلسکی، م. ی.(۱۳۷۷). *فرهنگ فارسی به روسی*. چاپ دوّم. تهران: گوتنبرگ.

۱۵–رضایی، جواد.(۱۳۸۸). *بررسی مقابله‌ای نظام آوایی زبان فارسی و کُرمانجی خراسان و کاربردهای آموزشی آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه علّامه طباطبایی.

۱٦–قاضی، حاج مراد دوردی.(۱۳۸۲). *فرهنگ قاضی (فارسی- ترکمنی)*.چاپ اوّل. مشهد: گل‌نشر.

۱۷–قنبری‌بگلر، جواد و دیگران.(۱۳۹۲). بررسی تفاوت‌های گویش کُرمانجی بیگلر با گویش-های کُرمانجی مجاور، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، *۵* (۸)، ۱۹-۱.

۱۸–کانار، محمد.(۱۳۷٤). *فرهنگ جامع فارسی به ترکی استانبولی*.چاپ اوّل. تهران: شیرین.

۱۹–گلکاریان، قدیر.(۱۳۸۰). *فرهنگ رهنما (لغات فارسی- انگلیسی- ترکی استانبولی)*.چاپ اوّل. تهران: رهنما.

۲۰–مصطفوی گرو، حسین.(۱۳۸٦). بررسی تاریخی نظام آوایی گویش کُرمانجی خراسان، *مجلهٔ علمی – پژوهشی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی مشهد*، *٤۰* (٤)، ٦۷-۳۳.

۲۱–مکنزی، د. ن.(۱۳۷۳). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. ترجمهٔ مهشید میرفخرایی. چاپ اوّل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۲–نجفی، ابوالحسن.(۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.

23- Asatrian, Garnik. (2009). Prolegomena to the Study of the Kurds. *Iran and the Caucasus*, 13, 1-58.

24- MacKenzie, D. N. (1966). The dialect of Awroman (hawraman- i- lhon) Grammatical sketch, texsts and vocabulary. *Historisk-filosofiske Skrifter udgiver af Det Kongelige Danske Videnskabernes Selskab 4* (3).

25- Schindler, H. (1884). Beitroge zum kurdischenwortschatz. *zcitschrift der Deutschen Morgenlandischen Geselschafi*, 38, 43-116.

26- Ivanov. W. (1927). Notes on khorasani Kurdish. *Jornal and proceedings of the Asiatc society of bangal*, *67* (2), 143-158.

Lexical effects of Persian language Kurmanji Kurdish of Khorasan

Tavagh Ghaldi Gholshahi[1]
Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

Received: 26/06/2021 Accepted:20/09/2021

Abstract

Persian language has been used in the vast country of Iran from long ago. This language has always attracted kings and courtiers because of its fluency, eloquence and simpleness; and it has always affected other Iranian languages. Kurdish is one of the Iranian languages which because of its closeness to Persian languageand also because of formalness of Persian language in many of the Kurd-settled areas, like other Iranian languages, has received a lot of effects from Persian language. One dialect of Kurdish which has been used in a Persian-speaking environment and is more likely to be affected compared to otherKurdish dialects is KhurasaniKormanji Kurdish dialect which is a branch of northern Kormanji. The main subject in this survey is the study of lexical effects of Persian language on KhurasaniKormanji dialect, and the objective is to identify the quality and level of the effects of Persian language on KhurasaniKormanji dialect of Kurdish language. This survey uses field study and library research methods, and the used tools are questionnaires and interviews. By studying popular and highly-used KhurasaniKormanji words, it was concluded that Persian language has been effective on this dialect, but these effects have been few. Out of 342 studied words that are popular in KhurassaniKormanji dialect, 23 had been borrowed from Persian. On this basis, the ratio of Persian words in KhurasaniKormanji is 6.72%. In the study of popular expressions and phrases as well, it was concluded that some of the popular Persian expressions and phrases have directly entered KhurasaniKormanji dialect; in some cases, their translations have entered this dialect, and in some other cases, their Persian equivalents have entered KhurasaniKormanji dialect. In this way, 40% of the popular expressions and phrases have been borrowed from Persian language, and 60% of them are Kurdish.

Keywords: lexical effects, Persian language, Kurdish language, northern Kormanji, KhurasaniKormanji

1- tavagh.golshahi@gmail.com